

Wort des Tages لغت روز aufhören

written by مرتضی غلام نژاد | ژانویه 3, 2017

aufhören یک فعل جداشدنی می باشد
ول کردن ، دست برداشتن ، رها کردن ، ادامه ندادن ، بی خیال شدن

گذشته ساده : hörten auf
گذشته کامل : haben aufgehört

der Regen hat aufgehört
باران از باریدن دست برداشته است
باران قطع شده است

Das Schwindelgefühl hörte plötzlich auf
حس سر گیجه ناگهانی بی خیال شد
حس سرگیجه ناگهان قطع شد

An dieser Stelle hört der Weg auf
از این جا جاده ادامه ندارد
از این جا جاده تمام می شود

Hör auf!
بی خیال شو!
تمومش کن!

Gott, ich muss mit der Trinkerei aufhören
خدایا، من باید از این مشروب خوری دست بکشم.

Wir haben heute Abend früher aufgehört
ما امروز عصر زودتر (از کار کردن) دست کشیدیم.

توضیحات :

همانطور که گفتیم فعل aufhören یک فعل جدا شدنی است و میدانیم که در افعال جدا شدنی بخش دوم فعل صرف شده و بخش اول آن بدون اینکه تغییری کند به انتهای جمله میرود، یعنی این hören است که صرف می شود و auf بودن هیچ تغییری به انتهای جمله میرود.

نکته ۱ : اگر در زمان گذشته کامل باشد می بایستی از فعل haben استفاده کنیم و فعل aufhören شکل گذشته کامل آن نوشته می شود.

نکته ۲ : اگر در جمله فعل کمکی داشته باشیم دیگر نیازی به صرف آن نیست و به همین شکل aufhören به انتهای جمله می‌رود

نکته ۳ : دو نکته بالا در مورد دیگر افعال جداشتنی نیز صدق میکند

اما ما می‌توانیم به گونه دیگر نیز از فعل aufhören استفاده کنیم ، یعنی در بخش اول جمله آنرا صرف کنیم و در بخش دوم با استفاده از zu و یک فعل ، جمله را به پایان ببریم ، مانند :

Sie hörte nicht auf zu schimpfen

او از رنجاندن و تحقیر کردن دست بر نمیداشت

? Frauen parken nicht, Sie hören auf zu fahren

خانم ها پارک نمی کنند ، فقط از رانندگی کردن دست بر میدارند ?

.Ich höre auf zu rauchen

من از سیگار کشیدن دست می کشم

سیگار کشیدن را ترک می کنم

با همین روش می‌توانیم کلی جمله جدید بسازیم و شما برای تمرین می‌توانید جملات زیر را خودتان به آلمانی ترجمه کنید

او از موزیک گوش کردن دست کشید یا اینکه او بی خیال موزیک گوش کردن شد

او از فوتبال بازی کردن دست کشید یا اینکه او بی خیال فوتبال بازی کردن شد

و در پایان حرف اضافه ای که می‌تواند همراه فعل جداشتنی aufhören بیاید ، حرف اضافه mit است . یعنی در تفکر آلمانی ما با چیزی دست برمی‌داریم یا توسط چیزی بی خیال می‌شویم یا اینکه با چیزی ادامه نمیدهیم اما در تفکر فارسی ما به چیزی ادامه نمیدهیم یا اینکه از چیزی دست بر می‌داریم.

مثال :

Hört jetzt mit der Streiterei auf!

الان دست از دعوا و نزاع بردارید!

Hör auf mit mir zu spielen!

دست از بازی کردن با من بردار!

موفق باشید. ?

? Viel Erfolg

?